هنر و صنعت ضریح و علامت‌سازی ثبت جهانی شود

■ حسن روانشید*

ایران علاوه بر اینکه صاحب جایگاه منحصربه‌فرد صنایع ظریفه از جمله مینیاتور است، توانسته در هنر و صنعت ضخیم‌سازی نیز یگانه باشد که صاحبان این برتری از همان جنس شیران روز و زاهدان شب هستند. خالقانی که با هنر آینه‌کاری در ساختمان و مینیاتورزنی ظریف برگ خشکیده‌ای از درختان را به تابلویی بی‌نظیر مبدل می‌سازند، قادرند فولاد را آبدیده کرده و در کوره‌های دستی و سنتی و بر ستبر سندان‌های خود به ضرب چکش به ضریح و علامت و علم‌هایی به اوزان ۲۰۰کیلوگرم مبدل سازند که بر دوش عاشقان و خادمان امام حسین (ع) از این‌سو به آن‌سوی شهرها برده شود تا در حسینیه‌ها و تکایایی که از سوی مسلمانان دنیا پایدار شده نصب گردد. امروز در هر کجای جهان و بر مزار هر امامزاده و مریدی از جامعه شیعه ضریحی برپاست، قطعاً و مسلماً ساخته دست هنرمندان ایرانی است که با وضو و شور و شوق حسینی ساخته و توسط سازنده یا یاوران او نصب شده است که از جهت هنری نظیر ندارد. صنعتی که دیرینه آن به صفویه می‌رسد و اوج وسعت آن در دوران قاجاریه بوده است و امروز نیز برندهایش با امضای طاهر، میرزا عباس و حاج‌علی فولادگر که جد پدری مهندس حمیدرضا فولادگر نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی است، جلوه‌نمایی می‌کند. اینها استادانی بودند که در طول عمر بابرکت خود علاوه بر ساخت ضریح و علامت شاگردانی چون رضا جوهریان، جهانگیر آیتی و حاج‌اکبر بهمنی را نیز پرورش داده‌اند که امروز از بزرگان و استادان مسلم این حرفه منحصربه‌فرد جهانی می‌باشند. اما مساجد، تکایا و حسینیه‌های فراوان سراسر کشور هر کدام گنجینه‌ای از علامت و علم برای استفاده در ماه‌های محرم و صفر را دارند که قدمت بعضی به عهد صفوی و قاجار برمی‌گردد که شاید بتوان به جرئت ادعا نمود قدیمی‌ترین علم ساخته‌شده در ایران هم‌اکنون در موزه توپکاپی ترکیه نگهداری می‌شود. آنچه مسلم است ساخت ضریح، علامت و علم، صنعت و هنر مشترکی است که تنها جایگاه آن ایران و پایگاه اصلی استادان این حرفه شهر اصفهان بوده و هست. در حال حاضر اکثر حسینیه‌ها و تکایای این شهر ازجمله گرگ یراق، زرگرباشی و حسینیه بنکدار دارای باارزش‌ترین علم و علامت‌های موجود در جهان اسلامند که باز هم سابقه دیرینه و تاریخچه آنها به دوران صفویه و قاجاریه برمی‌گردد. دسته‌جات قدیمی همچنان و در طول سال به زورخانه‌ها می‌روند تا قوی باشند و بتوانند این نمادهای مقدس را در دهه و به خصوص شب‌های تاسوعا و عاشورا بر دوش داشته باشند و از این سو به آن سو ببرند تا عاشقان حسینی را با دیدن آنها به یاد صحرای کربلا و خرابه‌های شام غریبان حسینی بیندازند. روشن کردن شمع در پای علم و علامت و سکوهای هر ضریح از سنت‌های آغازین زیارت مرقدهای مطهری بود که با چوب ساخته می‌شد و به علت روشن کردن همین شمع‌ها طعمه آتش می‌گردید. از این جهت صنعتگران اصفهان یک قرن پیش به فکر افتادند تا ماده اولیه آن را به فولاد و آهن با روکش مس، نقره و طلا تغییر دهند اما علم و علامت‌ها از آغاز تاکنون همچنان با فولادهایی ساخته می‌شود که حالت فنریت دارد. تعداد و تیغه‌های هر علم نشانه صاحب آن است. برای مثال علم سه‌تیغه متعلق به سالار شهیدان امام حسین (ع) است که سومین امام شیعیان می‌باشد. این صنعت منحصربه‌فرد که توأم با هنر ظریفه است، هنوز هم پایدار بوده و کارگاه‌های متعددی در بازار علامت‌سازان اصفهان و بافت‌های قدیمی شهر تحت نظر استادان شهره با عشق و معرفت و دائم‌الوضو مشغول به کار هستند که بیشتر به امر ضریح‌سازی می‌پردازند. شاید روزگاری که ساخت علم و کتل در اصفهان باب شد، کسی باور نمی‌کرد زمانی اینچنین گسترده در بازارهای داخلی و حتی خارجی عرضه شود و نذرکنندگان آن باید سال‌ها در انتظار و نوبت ساخت و دریافت سفارش خود باقی بمانند.

علم و کتل در حال حاضر برای تکیه‌ها و حسینیه‌ها نوعی نماد است و هر هیئتی همچون پرچم نشان مخصوص خود را ساخته یا سفارش ساخت می‌دهد. این نشانه‌ها در عزاداری‌های حسینی و دسته‌جات مذهبی به کار گرفته می‌شود و متعلق به گروه‌های عزادار است. همچنین این علامت‌ها برای تداعی کردن واقعه کربلا به وجود آمده که نشانه‌هایی همچون دست بریده با شاخه‌های نخل را به همراه دارد و در کنار ابزارهای جنگ مانند سپر و شمشیر و با تزئین و همراه داشتن یک چوب بلند با پارچه‌های سیاه، سبز و قرمز در دسته‌جات به حرکت درمی‌آید که همچنان جاودانه است. جا دارد مسئولان فرهنگی کشور قبل از اینکه این سنت دیرینه و ارزشمند نیز همراه با نفوذ بدعت‌ها و تحریف‌های خارجی در آن از طرق مختلف به اسم دیگران به میراث فرهنگ جهانی سپرده شود، نسبت به ثبت آن به نام صاحب اصلی یعنی کشور اسلامی ایران اقدام نمایند.

*روزنامه‌نگار پیشکسوت

دعوت کتابخانه و موزه ملی ملک به بازدید رایگان

کتابخانه و موزه ملی ملک، روز جهانی جهانگردی، علاقه‌مندان و دوستداران آثار تاریخی را به بازدید رایگان از تالارها و آثار موزه‌ای این موقوفه آستان قدس رضوی فرامی‌خواند.

به گزارش «جوان»، به نقل از روابط عمومی مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، نخستین موزه‌وقفی-خصوصی ایران، در کنار کتابخانه‌ای از نسخه‌های نفیس خطی و چاپ سنگی و سربی و کتاب‌های چاپی، گنجینه‌ای از آثار و اشیای ارزشمند تاریخی را در تالارهای گوناگون خود جای داده و مجموعه سکه‌های تاریخی از دوران پیش از هخامنشی (از سده ششم پیش از میلاد) تاکنون را در برگرفته است.

در کنار تالار سکه، تالار کمال‌الملک و خاندان غفاری قرار دارد که در آنجا مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی محمد غفاری مشهورترین نقاش تاریخ معاصر ایران و دیگر اعضای هنرمند خاندان غفاری گرد آمده است. تالار کتابت و نگارگری، دیگر بخش موزه ملی ملک است که مجموعه‌ای از آثار برجسته خوشنویسی و نگارگری، لاکی، اسناد و نسخه‌های نفیس خطی را دربرمی‌گیرد. مجموعه هنر لاکی، شامل قلمدان‌ها، قاب آیینه‌ها و جلدهای لاکی، دیگر بخش موزه است که در کنار تالار کتابت و نگارگری جای گرفته است. یکی از بخش‌های جذاب موزه ملی ملک، مجموعه اهدایی بانو عزت‌ملک ملک، دختر بزرگ حاج‌حسین آقا ملک واقف این گنجینه است که گنجینه‌ای از تابلوهای نقاشی قاجاری، نسخه‌های خطی، قلمدان، سرقلیان و آثار لاکی را در خود دارد. سالن تک اثر، بخشی دیگر در موزه ملی ملک است که در هر فصل سال، یک اثر از مجموعه آثار نادیده موجود در مخازن آثار موزه، همراه با تابلوها، توضیحات و نماهنگ‌های جذاب در آن عرضه می‌شود.

نمایشگاه دائمی حاج‌حسین آقا ملک، از بخش‌های متفاوت و جذاب موزه ملی ملک است که در قالب موزه‌ای، به معرفی بیشتر واقف می‌پردازد. در این سالن، آثار، دستنوشته‌ها، تصویرها و دیگر وسایل شخصی حاج حسین آقا ملک به نمایش درآمده است.

دو تالار نوبنیاد «تمبر» و «هزارداستان» نیز که در تابستان ۱۳۹۶ خورشیدی گشایش یافته‌اند، تصویری نو از آثاری تازه در زمینه تمبر و نسخه‌های خطی به همراه فناوری‌های روزآمد پیش روی گردشگران می‌گذارند.

مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک به مناسبت فرارسیدن روز جهانی جهانگردی، در روز چهارشنبه پنجم مهر ۱۳۹۶ خورشیدی از گردشگران به رایگان میزبانی می‌کند.

کتابخانه و موزه ملی ملک، نخستین موزه وقفی-خصوصی ایران و یکی از شش کتابخانه بزرگ کشور در حوزه نسخه‌های خطی به شمار می‌آید که در محوطه تاریخی باغ ملی تهران به نشانی «میدان امام خمینی، سردر باغ ملی، خیابان ملل متحد» جای گرفته است. گردشگران برای بازدید از تالارهای موزه‌ای و نیز مخاطبان بخش کتابخانه برای بهره‌گیری از خدمات فرهنگی این موقوفه در نیمه دوم سال، می‌توانند هر روز به جز روزهای تعطیل از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶:۱۵ به این گنجینه مراجعه کنند.

رضا بدرالسما نگارگر اصفهانی در گفت‌وگو با «جوان»:

تابلوی کشتی نجات امام حسین (ع) نشر هنری فرهنگ عاشورایی است

■ معصومه طاهری

همگان اصفهان را به هنر و هنرمندانش می‌شناسند؛ هنرمندانی که نام این شهر را در جهان پرآوازه کردند. یکی از این هنرهای بدیع و زیبا، نگارگری یا همان مینیاتور است؛ هنری که در عین ظرافت، چشم هر بیننده را به خود خیره می‌کند و می‌تواند مفاهیم ناب معنوی و عرفانی را هم به مخاطب انتقال بدهد. رضا بدرالسما از جمله استادان توانمندی است که هنرش مخاطب را مفتون و مجذوب خود می‌کند. از فعالیت‌های هنری وی می‌توان به میناکاری قسمتی از در حرم امام علی(ع)، میناکاری ضریح امامین، میناکاری ضریح حضرت مسلم بن عقیل، میناکاری ضریح حضرت حبیب بن مظاهر، میناکاری باب‌الراس الشریف حرم و خیمه‌گاه حضرت ابوالفضل، تصویرگری آثار فاخر نگارگری درباره آیات و قصص قرآن، ائمه اطهار، موضوعاتی همچون اشعار شاعران بزرگ ایران و نشر آثار در قالب کتاب اشاره کرد. آثار استاد به غیر از موزه‌های معتبر ملی و بین‌المللی در مجموعه‌های خصوصی کشورهای امریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئد، انگلیس، عمان، امارات متحده عربی، ترکیه، چین، کویت، مالزی و استرالیا نگهداری می‌شود. با استاد درباره آثارش گفت‌وگو کرده‌ایم.

چه چیزی هنر نگارگری را نسبت به سایر هنرها شاخص‌تر کرده است؟

در نقاشی هنرمند نیاز به الگو و سوژه برای طراحی و نقاشی خود دارد اما در نگارگری هنرمند باید تفکرات خودش را به تصویر بکشد برای همین مهارت لازم را دارد تا قوه تخیل و ذهنیت خود را بتواند روی کاغذ بیاورد و باید اطلاعاتی درباره طرحی که می‌خواهد بکشد داشته باشد. البته این روزها نگارگران کمتر این اصل مهم را رعایت می‌کنند درحالی که زمانی نگارگری دو بعدی بود و پرسپکتیو نداشت، الان پرسپکتیو و حجم دارد و از اصالت سابق برخوردار نیست.

شما شخصاً ایده‌های کاری خود را از کجا می‌آورید؟

۶۰ سال است که در این هنر تجربه دارم و سال‌های زیادی کار و تمرین کرده‌ام به‌همین خاطر بر اساس تجربه کار می‌کنم. اصولاً تمایل ندارم ایده و سلیقه دیگران را پیاده کنم البته گاهی برای گذران زندگی ایده می‌دهند و پیاده می‌کنم ولی طرح با توجه به موضوع است. مثلاً اگر قرار است طرح کتاب مثنوی را نگارگری کنم، اشعار کتاب را می‌خوانم بعد یکی از شعرهایی را که بیشتر به نظرم مناسب است، انتخاب می‌کنم و بر اساس مضمونی که دارد طرح می‌کشم.

رابطه کاری شما با عرفان به خصوص عرفان اسلامی چیست؟

هدف اصلی من همین مسئله است. در واقع بزرگ‌ترین دغدغه‌ای که دارم همیشه همین بوده چون در یک خانواده مذهبی رشد کرده‌ام و بسیار به این امور پایبند و وابسته هستم. حتی برای اینکه کارهایم رنگ و بوی معنوی و عرفانی بگیرد، با وضو کار می‌کنم. هنگام کار رادیو قرآن گوش می‌دهم تا صدای آیات را هنگام کار داشته باشم و بیشتر در خلق اثر به من کمک کند زیرا به خوبی می‌دانم کارهای بامفهوم و مضمون عرفانی بیشتر روی مخاطب تأثیر می‌گذارد تا کارهای معمولی. هیچ وقت فقط به دنبال زیبایی اثر نبوده‌ام، بلکه قصدم انتقال پیام به مخاطب است. برای همین جنبه عرفانی کار را دوست دارم و به خود من آرامش می‌دهد. در حقیقت به نوعی روح انسان با کارهای معنوی است که جلا می‌گیرد و این بهترین تأثیر عرفان در کار است و خدا خواسته تا کارهایم روی بیننده تابلوها اثر داشته باشد.

آثار نگارگری چقدر در سبد خرید توریست‌ها قرار دارد؟

این بستگی به عرضه و تقاضا دارد. به طور کلی توریست کمی می‌آید و همین تعداد هم کمتر رغبت برای خرید دارند. البته من آثارم در اندازه‌های بزرگ است که برای توریست‌ها مناسب نیست. آنها عمدتاً آثار مینیاتوری کوچک و اصیل ایرانی می‌خواهند تا برایشان هم به صرفه باشد و هم جالب، بنابراین برای این مسئله نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت در این کار است.

با توجه به اینکه در گالری‌های متعدد داخلی و خارجی حضور داشته‌اید، وضعیت گالری‌ها را در کشور چطور ارزیابی می‌کنید؟

ما گالری‌های خوبی داریم ولی متأسفانه درآمدزا و پولساز برای گردانندگان آنها نیستند برای همین برخی از دوستان فعال در این حوزه تغییر شغل داده‌اند و معتقدند اداره گالری برای آنها به صرفه نیست. دوستی می‌گفت دیگر نمی‌توانم قبض سنگین برق گالری را بپردازم، مردم استقبال زیادی نمی‌کنند. به دلیل تورم و رکود اقتصادی که وجود دارد، کسی رغبت به خرید تابلو ندارد تا با خریدی از هنرمند حمایت شود. البته حق می‌دهم چون هم شناخت ندارند و هم اینکه هزینه‌های زندگی سنگین است.

زیباترین اثری که روی خود شما تأثیر زیادی داشته، چه بوده است؟

من آثاری که درباره امامان و اهل‌بیت طراحی کردم خیلی برایم تأثیرگذار و لذت‌بخش بوده است؛ مثل «کشتی نجات» که درباره امام حسین(ع) و یارانشان است. ما فرهنگ عاشورایی داریم و باید در قالب هنر این مفاهیم را نشر بدهیم. برای خودم این اثر، اثری گویایی بود و به موزه سیدالشهدا اهدا کردم.

شما یک اثر بدیع و ماندگار دیگری هم درباره شهدای ۲۵ آبان دارید. کمی درباره این اثر برایمان بگویید.

۲۵ آبان یک روز به یاد ماندنی است؛ روزی که امام خمینی(ره) فرمود: «کجای دنیا می‌توانید شهری سراغ بگیرید که در یک روز ۳۷۰ شهید بدهد و همان روز هم مردم عازم جبهه‌ها شوند.» من خدا را شاکرم که توانستم کار کوچکی در این باره انجام بدهم تا کسانی که در این روز نبودند هم حس و حال خوبی داشته باشند. هر قسمت این طرح گویایی حرفی است؛ شعار مرگ بر امریکای بالای تابلو بیانگر این است که دشمن اصلی ما امریکاست؛ خیلی‌ها تابلو را دیدند، حس خوبی داشتند.

در دانشگاه هم هنر نگارگری آموزش داده می‌شود؟

بله ۱۰ سال تدریس می‌کردم ولی نکته‌ای وجود دارد که این نگارگری با اصالت لازم همراه نیست؛ اول اینکه تعداد انگشت‌شماری برای یادگیری می‌آیند که عمدتاً هم به دنبال مدرک هستند و ثانیاً الگوبرداری از شیوه‌های غربی است که اصالت و هویت ایرانی_اسلامی زیادی ندارد. اگر بخواهند در خارج از کشور کارهای خود را ارائه کنند، چندان استقبال نمی‌شود. می‌گویند ما خودمان هم از این آثار با چنین شیوه‌هایی با قدمت بیشتر داریم، کار خاصی انجام نشده است.

در پایان اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید.

به جوانان توصیه می‌کنم اگر دنبال هر رشته هنری هستند فرقی نمی‌کند چه باشد، اولاً شناخت و اطلاعات خودشان را بالا ببرند، ثانیاً بیشتر کار کنند و تمرین داشته باشند. توقع زیاد مانع رشد و پیشرفت هنری است و انسان را بازمی‌دارد. سعی کنند روی پای خودشان بایستند و با کمک خدا در کارشان پیشرفت کنند.

مسلمانان میانمار زخمی خفقان رسانه‌ای

ابعاد فاجعه قتل‌عام گسترده مسلمانان روهینگیایی میانمار به دست بودائیان افراطی و ارتش صهیونیستی این کشور، به حدی گسترده و وسیع است که در قاب تصاویر خبری گنجانده نمی‌شود.

مسعود بصیری، مسئول بسیج رسانه در خصوص سکوت مدافعان حقوق بشر در مورد قتل‌عام گسترده مسلمانان روهینگیایی میانمار افزود: سکوت سازمان‌های به اصطلاح مدافع حقوق‌بشری، دولت‌ها، کشورهای اسلامی و حتی انجمن‌های آزاد و مستقل در قرنی که فریاد زنده‌باد انسان از شرق تا غرب عالم به گوش می‌رسد، بسیار عجیب و دردناک است. مع‌الاسف از همه آنها که بگذریم، خفقان رسانه‌ها و اصحاب رسانه در گستره گیتی، نشان از وجود استانداردهای دوگانه در مصادیق حقوق‌بشر دارد که باید توسط انسان‌های آزاده و مستقل بررسی و راهکاری مناسب برای آن اندیشیده شود. مسلمان بودن این مردمان به کنار، شهروند یک کشور عضو مجامع جهانی بودنشان پیشکش، انسان بودنشان را که نمی‌شود لای خروارها سکوت رسانه‌ای و خبری مدفون کرد. عمق فاجعه آنجاست که همین رسانه‌ها برای «کوآلا»ی گیر افتاده در بالای تایر ماشینی که ۱۶ کیلومتر جاده را بی‌تحرک طی کرده، غوغایی به پا می‌کنند که استرس این حیوان در طول این زمان، صدر رسانه‌های و تیتر نشست‌های خبری با انواع کارشناسان مختلف می‌شود.

وی گفت: موجی خبری برای حمایت و همدردی با حیوانی که در معرض انقراض است (که البته با اصل این کار کسی مخالف نیست) ایجاد می‌شود که قایق انسانیت را در تلاطم خود درهم می‌شکند و کارشناسی، کسی نخواهد گفت و پرسید: میزان استرس کودکی که مادرش را در مقابلش به آتش می‌کشند! فرزندی که پدر و مادر پیرش را در سبد تا مرزهای دور بر دوش می‌کشد! پدری که طفل معصومش را زیر چکمه‌های قساوت نظامی کشور می‌بیند و.... چقدر بوده است؟!

سیلی به گوش ناشر یا معاونت فرهنگی و تشکل‌های نشر!

■ وحید مهری

خبر کوتاه بود. یکی از ناشران که سابقه روزنامه‌نگاری هم داشته است در مواجهه با یکی از قاچاقچیان کتاب که آثار او را به صورت غیرقانونی چاپ و به فروش می‌رسانده است، سیلی می‌خورد و در ادامه هم می‌شنود که این کمترین پاسخی بود که او در قبال اعتراضش دریافت کرده است. همین ناشر چندی قبل نیز گفته بود که از سوی قاچاقچیان کتاب تهدید نیز شده است.

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که در آخرین و در واقع نخستین دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با دست‌اندرکاران چاپ و نشر کتاب در کشور و نمایندگان تشکل‌های نشر، موضوع قاچاق کتاب به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین پدیده‌های حل نشده نشر که از قضا تازه چند سالی است ابعاد آن در جراید منتشر شده است، یاد می‌شود. همچنین خبرهایی از دل معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بیرون آمد مبنی بر اینکه کارگروهی برای مقابله با این پدیده شکل گرفته و با هم‌افزایی این دو نهاد تصمیم به مبارزه با این پدیده گرفته شده است، اما با این همه آنچه ناشران و فعالان اصناف نشر درباره قاچاق کتاب بازگو می‌کنند، کمافی‌السابق باقی‌ماندن رویه‌های موجود در این زمینه است. به عبارت دیگر قاچاقچی کماکان کار خودش را می‌کند و ناشر نیز باید با درد خود بسوزد و بسازد.

داستان اما خیلی ساده است. ناشری کتابی را قانونی منتشر می‌کند و با برنامه‌ریزی موفق می‌شود کتابش را در بازار به موفقیت اقتصادی برساند. در ادامه ناشر نماهایی که از قضا برگه قانونی فعالیت نشر را هم دارند، با کپی کردن متن ترجمه و نهادن نام مترجمی جعلی بر آن یا انتشار نسخه دیجیتال همان کتاب و همان ناشر، در بازار و حتی در نمایشگاه‌های رسمی کتاب و نیز شبکه‌های توزیع کنار خیابانی آن را به فروش می‌رسانند و سود و فعالیت قانونی اقتصادی یک ناشر را از بین می‌برد. تأسف‌انگیزتر این است که به گفته ناشرانی که سعی کرده‌اند از راهکارهای قانونی به مبارزه با این پدیده بپردازند، ظاهراً قانون موجود در مقابل این اتفاق آنچنان که باید راهکاری برای مقابله با این پدیده و کمک به ناشران نسجیده است. تلاش‌های تشکل‌های صنفی نشر نیز در این زمینه تاکنون بی‌فایده بوده و در دوراهی اعمال تشریفاتی یا اعمال غیرتشریفاتی، اما کم‌رمق باقی مانده است و در ضلع دیگر این ماجرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز این پدیده را مانند بسیاری از رویه‌های موجود در نشر کشور در سیکل کند و کسل‌کننده اداری کشور انداخته است.

یادمان باشد سیلی که هفته گذشته به گوش یک ناشر آن هم از سوی قاچاقچی کتاب نواخته شد، سیلی است که انگار به گوش معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و تشکل‌های صنفی نشر نواخته شده است. سیلی به گوش آنهایی که دائم دم از ارتقا و کیفیت در خدمات فرهنگی با موضوع کتاب می‌زنند و آنهایی که به شکلی سیری‌ناپذیر به دنبال کسب مدیریت دولتی به اسم خصوصی‌سازی و به کام تشکل خود هستند. این سیلی که رواست همه اهالی نشر اهم از مدیر و ناشر به خاطرش نم به چشم برسانند، سیلی به روندهایی است که تاکنون از آنها دم زده شده است و نخستین زنگ جدی برای رشد خزنده یک پدیده شوم را به صدا در آورده است. اگر عزمی جزم برای مجازات بانیان این دست اقدامات به وجود نیاید، به زودی بخش‌های دیگری از صنعت نیمه‌جان نشر کشور نیز از سوی سوداگران نشر سیلی خواهند خورد و دیری نخواهد پایید تا این صنعت با شکل فعلی به یکی از ناامن‌ترین صنایع کشور از منظر سرمایه‌گذاری مبدل شود.

اصرار بر اجرای نمایشنامه‌های خارجی با وجود تأکید بر حمایت از متون نمایشی فارسی

نمایشنامه ایرانی یا غیرایرانی، مسئله این است

■ امید غیاثوند

نمایش، اجرا و صحنه کلماتی که از دیرباز برای گوش ایرانیان آشنا بوده و قرن‌ها پیش برای ستودن قهرمان‌ها و تحقیر دشمنان در دربار پادشاهی ایران از آن بهره می‌بردند یا حتی برای ایجاد فضایی مفرح و شاد در سرای حاکمان حضور بازیگری با عنوان ملیجک با حرکات مضحک رواج داشت.

هر چه زمان گذشت تئاتر با پختگی بیشتر شکل تازه‌ای به خود گرفت. در زمان قاجار نمایش‌ها با گروه‌های کوچه بازاری به صورت فی‌البداهه میان مردم در گونه‌های مختلف روحوضی، سیاه بازی، تعزیه، نقالی با موضوعات مذهبی، اجتماعی و گاهی سیاسی اجرا می‌شد، اما در همین دوران با الهام گرفتن ناصرالدین شاه از تئاترهای اروپایی، شکل مدرن‌تری از نمایش وارد ایران شد که با ساخت تکیه رسمی و سالن تئاتر، نگارش اولین نمایشنامه‌ها نیز آغاز شد و صحنه، نمایش و اجرا با معنای نوینی همراه نمایشنامه‌های اصیل ایرانی در میان مردم جایگاه خود را یافتند.

تئاتر در ایران از گذشته وجود داشته و امروزه به شکل مدرن با تمام مشکلات این حوزه به حیات خود ادامه می‌دهد و روزبه‌روز در میان مردم محبوبیت جامع‌تری به دست می‌آورد، تماشاگران بیشتری را جذب می‌کند و نمایشنامه به عنوان پایه اصلی نمایش به شکل‌های مختلف با موضوعات گوناگون در میان گروه‌های تئاتر و اجرا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این روزها که با حمایت‌های دولتی و خصوصی از تئاتر در ایران نمایش‌ها به صورت گسترده با موضوعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صحنه می‌روند، نگارش نمایشنامه بسیار مورد توجه قرار گرفته است اما سؤال اینجاست چرا با وجود ایرانی که از نویسندگان معتبر غنی است همچنان شاهد اجرای نمایشنامه‌های خارجی یا اقتباس از نگارش‌های اروپایی در میان کارگردانان هستیم و فقط گاهی برخی پیشکسوتان نمایشنامه‌های ایرانی را پس از دهه‌ها، بار دیگر به صحنه نمایش باز می‌گردانند.

حسن باستانی، کارگردان و نمایشنامه‌نویس با بیان اینکه اجرای متن‌های خارجی آسان‌تر است به خبرنگار ایرنا گفت: نمایشنامه‌های

خارجی منسجم‌تر، با کیفیت‌تر و برای کارگردانی آماده‌تر هستند. وی سختگیری‌ها برای اجرای نمایشنامه‌های خارجی را از سوی شورای ارزیابی کمتر دانست و خاطر نشان کرد: از سوی دیگر اقبال نمایشنامه‌های خارجی برای جذب مخاطب نیز بیشتر است.

زهرا شایان‌فر، کارگردان و نمایشنامه‌نویس با بیان اینکه کارگردان برای اجرای یک نمایش گزینه‌های متنوعی دارد، تصریح کرد: کارگردان باید بتواند با نمایشنامه ارتباط روحی، درونی و معنایی پیدا کند و دغدغه‌های خود را در متن بیابد تا انگیزه اجرا در وی به وجود آید.

وی افزود: گاهی کارگردان در نمایشنامه ایرانی پختگی مورد نیاز خود را پیدا نکرده است، ولی در یک اثر خارجی می‌تواند به فلسفه لازم دست یابد به همین دلیل اجرای آن را بر عهده می‌گیرد. به گفته شایان‌فر باید به این نکته توجه کرد که یک نمایشنامه فارغ از نویسنده آن در وضعیت فعلی جامعه چه نشانه‌هایی دارد و تلنگر و پیام آن چیست.

عبدالرضا اکبری، کارگردان و نمایشنامه‌نویس نمایش‌های آیینی- سنتی نیز با تأکید بر اینکه دغدغه من اجرای نمایشنامه تماماً ایرانی است، تأکید کرد: وظیفه کارگردان ایرانی است که به نمایشنامه ایرانی توجه کند و اهمیت بدهد، زیرا درون نمایشنامه ایرانی هویت و فرهنگ ما نهفته است.

همچنین علی مرادخانی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در افتتاحیه سمینار هجدهمین جشنواره آیینی- سنتی با بیان اینکه تئاتر هنری جهانی است، خاطرنشان کرد: طی دوره‌ای در ایران، نمایشنامه غیرایرانی مورد توجه قرار گرفت، اما امروز این وضعیت در حال تغییر است.

وی افزود: باید نمایشنامه ایرانی که از نگاه هویتی مسئله مهم کشور است، مورد توجه قرار بگیرد.

در ایران با پیشینه غنی تئاتر نمایشنامه ایرانی مهم تلقی می‌شود، زیرا وضعیت، هویت و فرهنگ را با زبان نمایش به مخاطب ارائه می‌دهد و با اجرای مناسب می‌تواند مفاهیم را به تماشاگر منتقل و در ذهن و جان وی ثبت کند، اما این کارگردان است که می‌تواند میان نگارش ایرانی و غیرایرانی متن خود را انتخاب کند و تفکرات خویش را به مخاطب ارائه دهد.